

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت، مارچ ۲۰۰۳م

خم ابرو

عقل و دینم آن صنم با یک خم ابرو گرفت
مژه برگشتاند و آرام و قرار از کف ربود
دل ز چنگ من گرفتن آنقدر آسان نبود
یک نگه از زیر چشم، آن فتنه دوران نمود
چشم و زلف و مژه و ابرو بهم دادند دست
کرد صیاد سخن پرداز من قصد شکار
ناتوانی های من می دید و کاکل می فشاند
دست امید مرا رد کرد، اما چون رقیب
بر مصیبت های ابنای وطن باید گریست

یک اشارت کرد و از دست من، این هردو گرفت
زلف برهم زد سر راه دل از هر سو گرفت
عشوه ای کرد و به صد تزویر از پهلو گرفت
دین و دل میخواست در کف داشتن، هردو گرفت
هر یکی می خواست، آخر آن خم ابرو گرفت
مژه اش تیری زد و آن نرگس جادو گرفت
این وجود ناتوانم را به تار مو گرفت
سر به پایش ماند، لطفی کرد و برزانو گرفت
لقمه نانی گر جهان بخشید ان، جی، او گرفت»۱»

آهوی فکر نمی شد بر سر هر مو «اسیر»

آمد آن صیاد و این آهو به های و هو گرفت

«۱» موسسات خارجی که به نام همکاری به افغانستان سرازیر شده اند